

Subject ,Significance and Syntax of Sentence and a text in linguistics

Dr. Rana Ali Majeed

Language of Persian-college of language

University of Baghdad

Md30@ yahoo.com

Abstract:

Semantics is concerned with studying the significance of the lexical units and studying the meaning of them. It is also known as the science that is concerned with studying the conditions and rules that must be met in the word, and although it is a science of its own, we can not separate it from the rest of the sciences. And the science of semantics of the ancient science and knew many languages, but he took his full destination in modern times. As the dominant linguistic studies take language as a way to study grammatical syntax and take the meaning of the linguistic description, it was necessary to represent the leading position in linguistic analysis, which has turned the attention of linguists to focusing on the syntax of grammatical language The semantic translation of the semantic result of this structure, as well as the significant semantics achieved by the verbal function performed within the framework of the linguistic system. The research finds here the need to refer to the concept of functional significance and structural significance, in order not to mix concepts, the functional significance or so-called (functional style).

Keywords: semantics,syntax,text,linguistics,Persian syntax

موضوع ودلالة وبناء الجملة والنص في علم اللغة

د. رنا علي مجيد صالح

قسم اللغة الفارسية- كلية اللغات/ جامعة بغداد

المستخلص :

علم الدلالة هو الذي يهتم بدراسة دلالة الوحدات المعجمية، ودراسة المعنى المقصود منها، ويُعرَفُ أيضاً بالعلم الذي يهتم بدراسة الشروط والقواعد التي يجب توافرها في الكلمة، وبالرغم من أنه علم قائم بذاته، إلا أننا لا يمكن أن نصله عن باقي العلوم، فهي مرتبطة مع بعضها، ويُعتبر علم الدلالة من العلوم القديمة والتي عرفت لغات متعددة، إلا أنه أخذ وجهته الكاملة في العصر الحديث. ولما كانت ال دراسات اللغوية السائدة، تتخذ من اللغة وسيلة لدراسة تركيب اللغة النحوي، وتتخذ من المعنى أساساً للوصف اللغوي، كان لابد من أن تُمثّل (الدلالة) موقع الصدارة في التحليل اللغوي، وهو الأمر الذي حول اهتمام اللغويين من التركيز على تركيب اللغة النحوي إلى ترجمة المفهوم الدلالي الناجم عن هذا التركيب، فضلاً عن عد الدلالة غاية يحققها اللفظ من خلال الوظيفة التي يؤديها ضمن إطار النظام اللغوي. ويجد البحث هنا ضرورة الإشارة إلى مفهوم الدلالة الوظيفية والدلالة التركيبية، بغية عدم اختلاط المفاهيم، فالدلالة الوظيفية أو ما يدعى بـ(النحو الوظيفي) هي من متفرعات الألسنية الحديثة في دراسة الكلام.

م‌وضوع و‌ساختار و‌دلالت جم‌له و‌متن در زبان شناسی

گروه زبان فارسی- دانشکده زبان

دانشگاه بغداد

پیشگفتار:

زبان شناسی متن یکی از شاخه های نسبتاً جدید زبان شناسی است. وظیفه این شاخه از زبان شناسی بررسی آن دسته از قواعد زبانی است که عناصر زبانی فراتر از مرز جمله را در بر می گیرد، به عبارتی دیگر، در زبان شناسی متن، واحدهای زبانی در سطح واژه یا جمله توصیف نمی شوند، بلکه در سطح متن تحلیل می شوند. متن به مفهوم اشکال زبان نوشتاری (گروه جملات) یا اشکال کاربرد زبان گفتاری (واحد ارتباطی) است .

بسیاری از علوم با موضوع متن مواجه هستند. متن شناسی یکی از شاخه های بین رشته ای است که در چارچوب علومى چون فن شعر، بلاغت، روان شناسی، تعلیم و تربیت الهیات، تاریخ و حقوق پدید آمده است. بدیهی است که در تمام این علوم، متون با در نظر گرفتن جنبه های گوناگون و با اهداف متفاوت مورد بررسی قرار می گیرند .

بدیهی است که زبان شناسی و ادبیات بیشتر از سایر علوم با متون ارتباط دارند. زبان شناسی علاوه بر متون به تحلیل نظام های زبان نیز می پردازد. در نگرش زبان شناسی ساختاری، نقش زبان دارای اهمیت ویژه ای است. سوسورروابط درونی زبان را مورد بحث و تحلیل قرار می دهد. مفاهیم زبان وگفتار شالوده آرای وی به شمار می روند .

در این بحث روابط درون متن را مورد بررسی قرار می‌دهیم، یعنی به عواملی می‌پردازیم که ساختار متن و چگونگی خود این ساختار را مشخص می‌کنند.

بین موضوع و ساختار متن روابطی حاکم است. اما شناسایی موضوع متن چندان ساده نیست و زبان‌شناسان پاسخ‌های کاملاً متفاوتی در این خصوص ارائه می‌دهند.

در این بحث می‌خواهیم به ساختارهای خرد و کلان متون بپردازیم و ساختار مبتدا و خبر را به اختصار مورد بحث قرار دهیم. اصطلاح ساختار مبتدا و خبر در حقیقت تنها تابع روابط درون یک یا چند جمله می‌باشد که ون دایک آنها را ساختارهای خرد می‌نامد.

البته بین ساختارهای خرد و کلان نیز روابطی حاکم است. از این جهت برخی از زبان‌شناسان بر این باورند که می‌توان کل ساختارهای متن (ساختارهای خرد و کلان) را مانند ساختارهای مبتدا و خبر تجزیه و تحلیل نمود. می‌توان جنبه‌های قابل توصیف اشیا را جمع‌آوری کرد و آنها را از طریق تحلیل داده‌ها در رابطه‌ای که به هدف توصیف مرتبط باشد، در آورد. در این فرایند، واحد جمله اهمیت به‌سزایی دارد.

وهمین بار در این بحث دلالت‌پدیده‌ای مرکب محسوب می‌شود. اگر به نقش‌های دلالت‌ابزار زبانی دقت کنیم. متوجه خواهیم شد که دلالت یک فرایند بین‌رشته‌ای است. زبان‌شناسی، منطق، روان‌شناسی و علم شناخت با مفهوم دلالت مواجه هستند. در درون زبان‌شناسی نیز به نوبه خود جنبه‌های معنا‌شناسی، کاربردشناسی و نحو مورد بررسی قرار می‌گیرند، که جنبه‌های معنا‌شناسی و کاربردشناسی بر نحو غلبه دارند و باید در ارتباط با جنبه‌های شناخت در نظر گرفته شوند.

موضوع و ساختار جمله و متن مبحث اول:

پیوستگی و بخشی از روابط جمله به منزله و واحد ساختاری حد انسجام، و نیز از طریق روابط اقل متون

برون متنی، یعنی روابط با ((برخی از زبان شناسان متن بر این سایر الگوهای ارتباطی، صورت‌باورند که ساختار جمله و ساختار می‌گیرد)) (گولیش و رایبله متن از دو نوع متفاوت به شمار می‌آید: 1977: 47، ترجمه کوروش صفوی). آیند و متن، واحد دستوری فراتر از الگوهای ارتباطی تابع نقش جمله محسوب می‌شود، آن گونه که ما توصیفی زبان هستند و از مبادی در اصل باور داریم. اما برخی موقعیت و بافت، تعبیر دقیق‌دیگر جمله را اغلب واحد حد اقل پاره گفتارهای زبانی تأمین می‌کنند)) (باطنی، 1363: 47)

شود. روابط درون متنی را می‌توان در خود متن مورد بحث قرار داد. برای مثال این روابط از طریق علایم تقسیم بندی مانند سزایی دارد:

((هم)، (آه)، (آها) و غیره در متون گفتاری اتفاق می‌افتد که — هر متنی از یک الی چند علامت (آها) محدود به متون گفت جمله تشکیل می‌شود.

و شنود است. (نگاه کنید — ضرورتی که در شناسایی متن، ارژنگ، غلامرضا: 91)

معیارهای درون متنی و برون متنی ((در نتیجه تعریف زیر از متن را تلفیق می‌کند، باید قبلاً به به دست می‌آید: هر متن به جمله ضمیمه شود، اما نه به سطح اعتبار عامل درون متنی، نوعی جمله. (نگاه کنید: ارژنگ، غلامرضا، 1385: 39)

نشانه زبانی مرکب است که بر اساس قواعد نظام زبانی ساخته ((برخی از زبان شناسان متن بر این شده است، و به اعتبار برون متنی باورند که هر جمله با جملات دیگر با کنش ارتباطی هم معناست. متن پیوند دارد، این پیوند از یعنی متن و کنش ارتباطی لازم و طریق روابط درون متنی، یعنی روابط

يحيى و مرا كمك كردن ! ملزوم يكديگرند)) . (گوليش و

خدا حافظ ! رايبله 1977: 47)

هرگاه جملات را به اعتبار عوامل در حالى كه به نظر برخى از زبان درون متنى، حتى از طريق عدم شناسان متن ، جمله محمل حد اقلى حضور فعل تام، بتوانيم توصيف است كه در آن عوامل درون متنى كنيم، آنگاه مشخص مى شود كه و برون متنى جمع مى شوند (نگاه جملات حاوى ساختار نحوى وقابل كنيد: گوليش و رايبله، 1977: ص50)، پيش بينى هستند . در حالى كه ((به عقيدةء برخى ديگر جمله محمل ساختارهاى متون قابل پيش بينى مناسبى براى ساختارهاى دستورى ، نيستند، و متون از جملات ساخته واژگاني و شناختى به شمارمى رود)) مى شوند و نه مستقيماً از (لانگ، 1973، ترجمه براهنى) . در واحدهاى كوچك تر مانند گروه هاهر صورت جملات مواد اوليه هستند كه يا از علايم حد اقل، يعنى از مجموع آنها متون حاصل مى گردد پاره گفتارهاى تك واژه اى .

مانند (آتش!)، اين گونه پاره جمله را به اعتبار درون متنى مى گفتارهاى تك واژه اى در عين توانى ما از طريق ساختارى نحوى، در حال جمله نيز محسوب مى شوند وهلهء نخست از طريق حضور يك فعل . (نگاه كنيد: البرزى، تام، شناسايى كنيم. جملات بدون فعل پرويز، 1386: 74) تام را جملهء ناتمام مى نامند.

بنابر اين همان طور كه شايد تنها پاره گفتار (1) به منزلهء متن از يك جمله تشكيل شود، جملهء ناتمام قابل توجه است، احتمال اينكه جمله نيز متشكل ساير پاره گفتارهاى (2) ، (3) و از يك واژه باشد، وجود دارد . (4) قابل توجه نيستند . (نگاه ((عامل برون متنى يا کاربرد كنيد: غلامعلى زاده ، خسرو، 1374: 56)

شناسى جمله به منزلهء پاره اما اگر نگهبان
گفتار حد اقل در چارچوب كنش
هاى گفتارى قابل توصيف است . مرگ بر اسرائيل !

تنها از موقعیت قابل درک استگفته می شود که هر کنش گفتاری دست وصل می شود . (نگاه کنید: کم از یک جمله تشکیل می شود ، الیاسی ، محمود، 1372: 184) اما بر عکس، هر جمله ای به مثابهء احتمال دارد که (سامان) برای یک کنش گفتاری نیست ((. (گولیش و مثال به معنی (انگشت را از رایبله، 1977: 49) بینی ات بیرون بیار) باشد، در این فرضیه که هر کنش گفتاری صورتی که مخاطب مشغول این دست کم یک جمله است نادرست به فعالیت باشد، یا (بیا پای نظر می رسد (نگاه کنید: فاطر، تخته) باشد، هنگامی که دانش 1992: 78)، زیرا جملاتی می شوند که آموزی قبلاً اعلام نموده که می شامل دو کنش گفتاری هستند در این خواهد مطلبی را روی تخته نشان مثالهای:

بدهد . بدیهی است که (سامان) سامان ، بیا اینجا .
(صرفاً به معنای (بس کن،
انگشت را از بینی ات در آر) چون تکالیف مدرسه ات را انجام
یا (بیا پای تخته) نیست . در داده ای، حالا می توانی بازی کنی .
چنین مواردی ، تنها توجه مخاطب مثال (1) در هر صورت شامل بیش از نسبت به یک کنش انشایی جلب می کنش گفتاری است، علاوه بر کنش شود که در این مثال به صورت درخواست (بیا اینجا) یک حالت تلویحی بیان می گردد. (نگاه ندایی نیز در بردارد . حالت های کنید: البرزی، پرویز، 1386: 204) ندایی نوع منحصر به فرد از کنش اما در مثال دیگر (چون های گفتاری را تشکیل می دهند . تکالیف مدرسه ات را انجام داده اما در تعریف نقش گرایانه، حالت ندایی یک کنش گفتاری غیر مستقل ای، حالا می توانی بازی کنی)، در این مثال یک جملهء مرکب است . به طور کلی حالت ندایی به است که شامل یک کنش گفتاری کنش گفتاری دیگری ، که اغلب خبری و یک کنش گفتاری اجازه ای انشایی است متصل می شود، همان است . در بعضی از موارد حتی گونه که در این مثال مشاهده می شود، یا به کنش گفتاری تلویحی، که

مشاهده کردیم که از هر گروه یک جملهء سادهء هم زمان دو کنش جملات، متن یا بخشی از متن حاصلگفتاری را تحقق می بخشد. (همان نمی شود. در نتیجه باید گروه منبع قبلی: ص208)

جملات شرایط درون متنی و برون ساختارهای خرد و کلان متون متنی را تأمین کند. در ضمن شرایط درون متنی با پیوستگی آواشناسی و ساخت واژی را در نظر نمی گیرند:

مورد بررسی قرار گیرند. همین طور (پیوستگی آوا شناسی از قبیل نه تنها روابط نزدیک، مثلاً وزن، قافیه، نماد پردازی، آوایی، آهنگ و ساختار وقفه است از مختصات متن سازی به شمار می باشد) (ون دایک، 1980: 22) می روند، بلکه اغلب روابط دور، ترجمه: پرویز البرزی) بین جملاتی که در فاصلهء بسیار قافیه و نماد پردازی آوایی زیادی از هم قرار دارند، ویا بیشتر در متون هنری اهمیت روابطی که بین گروهی از جملات یا دارند و کمتر در متون روزمره تمام جملات متن به صورت هم زمان یا متون تخصصی به کار می روند برقرار است، نیز از مختصات متن سازی به شمار می روند. روابط

پیوستگی ساخت واژه ی بیشتر نزدیک در متون را با مفهوم در حوزهء واژه سازی یافت می ساختار خرد متون و روابط دور را شود، یعنی هنگامی که بابا مفهوم ساختار کلان متون بررسی ساخت لحظه ای مواجه می شویم که می کنند. عناصر ساختارهای خرد از طریق متن پیرامون به لحاظ اکنون از طریق زبان شناسی به صوری شفاف و به لحاظ محتوایی بهترین وجه و به وضوح مورد بررسی قابل تعبیر است. قرار گرفته اند.

به نظر می رسد که کلیهء این ساختارهای خرد متون ابزار پیوستگی، همانند ابزار

دارا زبان فرانسه یاد می‌گیرد، نحوی، برای پیدایش ساختار متن سارا به بالزاک احترام می‌ضروری یا کافی نباشند. روابط گذارد و هامون رومانیایی شناس‌معناشناسی و شناختی بین جملات برای است. و اعضای خانواده کشورپیدایش ساختار متن لازم و کافی به فرانسه راد وست دارند. نظر می‌رسد، یعنی روابطی که از دارا زبان فرانسه یاد می‌گیرد، طریق مفهوم عبارات، از طریق روابط سارا دست و صورت خود را می‌شوید دلالتی بین جملات و نیز چگونگی و هامون کنار پنجره نشسته است. اتصال (سببی، زمانی و غیره) بر بچه‌ها در این لحظه مشغولند قرار می‌شوند. اما عمدتاً این روابط برون‌متنی هستند، یعنی روابطی که از طریق نیت‌گوینده نمونه اول: تعیین سطح دوره و آگاهی‌گوینده و شنونده از عالم‌های آموزشی خارج، از زاویه دید آنان شفافند و نمونه دوم: فرانسه را دوست. (نگاه کنید: نجفی، ابو الحسن و نمونه سوم: در این لحظه، 1384)

مشغولند لانگ مفهوم مرجع سازگاری در این جملات مرجع سازگاری مشـترک رامطرح می‌کند که مشترک را به طور صریح بیان می‌کند. مرجع را مطلوب به نظر می‌کنند. بدیهی است که مرجع‌رسد. مرجع سازگاری مشترک برای سازگاری مشترک اغلب به طور هم‌پایگی جملات و علاوه بر آن برای صریح آورده نمی‌شود. آنچه که هرگونه روابط متنی ضروری است. اهمیت دارد این نکته است که دارا زبان فرانسه یاد می‌گیرد، روابط بین سه جمله هم‌پایه هر سارا به کلاس تندنویسی می‌رود و بار به گونه‌ای دیگر، و تابع هامون به کلاس موسیقی می‌رود. سازگاری مشترک می‌باشد. تعیین سطح دوره‌های آموزشی شروع حتی از طریق هم‌پایگی یک‌شده است. جمله به جمله ای دیگر تعبیری

واقعیة های فردی در یک محیط ، دریافت می کنیم که از طریق معنای مفاهیم انتزاعی این اشیا و تحت اللفظی آن قابل استنتاج نیست واقعیة ها نیز متصورند و این. برای مثال : محمد برای خودش مفاهیم و روابط موجود بین آنها رایانه و برای همسرش اتومبیل خریده مبنای هر متن قرار می گیرند است

((. تنها از طریق همپایگی با جملهء

ساختارهای کلان متون (محمد برای همسرش اتومبیل خریده

متون به منزلهء ساخت دو بعدی است) جملهء (محمد برای خودش

محاسبات پیوند معنا دار جملات رایانه خریده است) .

باعث می شوند که متون به معنای اضافی به خود می گیرد که

منزلهء ساخت دو بعدی تلقی رایانه اتومبیل نیست . در این مورد

گردند . در این مثال را روشن کاهش همپایگی اهمیتی ندارد .

می کند . ون دایک (1980 : 25) (به روابط

سلطانی بود . او سه دختر داشت موجود در متن اشاره می کند .

. نام آنها فاطمه ، عاطفه و روابط بین جملات کمتر اهمیت دارند

. راضیه بود . در حالی که روابط بین قضیه ها

((عامل جانشین سازی ، این جملات با اهمیت تلقی می شوند . منظور از

کوتاه را به یکدیگر وصل می قضیه در منطق ، محتوایی معنایی است

کند ، در جملهء دوم ضمیر (او که مبنای جمله قرار می گیرد و ممکن

است صحیح یا غلط باشد . ون دایک (جایگزین (سلطانی) جملهء

بر این باور است که قضیه مستقیماً اول می شود . در جملهء سوم

با ارزش صدق مرتبط نیست ، بلکه با عنصر (آنها) جایگزین سازهء

واقعیة در محیط احتمالی ارتباط (سه دختر) در جملهء دوم می شود

دارد . هر محیط به عنوان مجموعه . علاوه بر آن ، گروه جملات دارای

ای از واقعیة هاست . او فرضیهء ساختار زمانی خاصی است که در

زبان شناسی شناخت رامبنا قرار می این مثال از طریق انتخاب زمان

دهد که بر اساس آن علاوه بر اشیا و دستوری یکسان ، یعنی گذشته ،

کنید: باطنی ، 1363: (49). بیان می شود (بود، داشت، بود)
مطالعات اندکی که در حوزه ((. (البرزی، پرویز: 241). این
ساختارهای کلان صورت گرفته است، مجموعه پیوسته بعد اول را تشکیل
به دو شیوه در منابع ذکر شده می دهد، یعنی متن به منزله تار
اند: یا شبکه تلقی می شود. بعد دوم
— شیوه ای که ترجیبات مرتبط شبکه متن که برای ساختن واحدهای
به رویدادها و ترتیب رویدادهای مفهومی ضروری است در اتصالاتی دیده
مکانی وزمانی خاصی را از طریق می شو دکه بسیاری از جملات را
زبان بازگویی می کند. نادیده می گیرند یا بسیاری از
جملات را تلخیص می کنند. (همان
— شیوه ای که به چالش مستدل منبع قبلی). روابط فراگیر کسه
(یعنی برای مثال چالش های اصول همبستگی مفهومی را ایجاد می کنند
واستدلال) می پردازد.
واز مختصات ساختار کلان متون
هر دو شیوه به متونی مرتبط است به شمار می روند، انواع ساختارهای
که از طریق نوعی ساختار کلی کلان اقسام متون را مشخص می کنند،
متن قابل شناسایی هستند وهر ممکن است مؤلفه های متن به بخش
جمله ای تنها از طریق یک ارزش کوتاه تر متن تقسیم شوند. پس
جایگاه در درون این ساختار اقسام متون این گونه توصیف می
مشخص شده است: در مورد اول به شوند که ما نوع، ترتیب و اتصال
ویژه با ساختار زمانی (به متون فرعی آن را توصیف نماییم.
علاوه ساختار مکانی) متن در این مثال ساختار کلان، برای
مواجهیم که ترتیب تجربه را بازمثال، نشان می دهد که سلطان در
گویی می کند. بخش های پیشین متن ذکر نشده،
در مورد دوم با ساختار استدلال و تازه در قصه گنجانده شده است.
متن مواجهیم. احتمالاً هر دو همین طور اگر قطعه کاملی از یک
نوع ساختار متون بیشتر به صورت متن را با بیان عبارتی مانند (
لایه یا طبقه، به منزله این حوادث) خلاصه کنیم، نشانه ای
نمودهای دیگری در حوزه از بیماری ساختار کلان است. نگاه

سگال و دیگران، 1973، ترجمه: فعالیت زبان، تجلی می یابند.
گوروش صفوی). (همان منبع قبلی)

تمایز ارتباطی (برای دستیابی موضوع متن و ساختار مبتدا و خبر
به مبتدا و خبر) به لحاظ شم (تحلیل مبتدا و خبر ابتدا در
زبانی مشخص است بی آنکه مفاهیم مکتب براگ، یعنی قبل از پیدایش
اطلاعات (کهنه و نو)، (آشنا زبان شناسی متن، مطرح شد و در نحو
ونا آشنا)، (اطلاعات وابسته و معنا شناسی توسعه یافت)
و غیر وابسته به بافت) دقیق تر (ماتسیوس، 1929، ترجمه: پرویز
بیان کردند. مبتدا و خبر مقولات البرزی). در وهله نخست مفهوم
کنش هستند، نه توانش. مبتدا و خبر با ساختارهای کلان متون
و خبر ارتباطی به واحدهای نحوی یا با موضوع متن ارتباطی ندارد.

جمله ندارند، بلکه به واحدهای
ارتباطی گفتار مربوط می شوند.
از این جهت نباید تمام جملات
دارای تقسیم بندی مبتدا و خبر
باشند. حتی جملاتی یافت می
شوند که کلاً مبتدا یا خبر هستند
در ابتدا و شروع متون، به
طور طبیعی جملات اغلب حاوی خبر
هستند. موردی که در آن جمله
ای کلاً مبتدایی باشد، اغلب در

تکرار جملات مشاهده می شود
(نگاه کنید: ارژنگ، 1385: خصوص آرای مختلفی مطرح می شوند.
زبان شناسان تعاریف متفاوتی از
69)

مبتدا و خبر به دست می دهند، نوعی
پویایی ارتباطی است که بر مبنای
اولی: آخه حسن کجاست؟
دومی: حسن در اصفهان است. آن مبتدا حاوی پیام کهنه و خبر
حاوی پیام نو است. (نگاه کنید:

توجه بسیاری از زبان شناسان اولی : ای بابا ! حسن در اصفهان است. این مفهوم برگرفته از است .

تحقیقات دانش در مورد سازه به عنوان شاهی برای جملهء حاوی آرای متون مرکب است. همچنین خبر می توانیم در این جمله ای را دانش پی می برد که مبتداهای در نظر بگیریم :

نحوی هریک از جملات برای می دونی چه چیزی را توی روزنامه شناسایی یکپارچگی متون اهمیت خواندم ؟ هیتلر یهودی بود . به سزایی دارند. در متون،

استمرار مبتداهای، آن گونه که تمام این ساختارهای مبتدا و خبر از در هریک از جملات نیز مشاهده نظر زبان شناسی متن برپایهء می شود، به هیچ عنوان به ساختارهای کلان قابل تحلیل هستند . دلخواه نیست. یعنی مبتدا معمولاً تحلیل مبتدا و خبر متون

از واحد مبتدا - خبر پیشین می توان کل یک متن را به حاصل می شود و باعث می شود تا ساختارهای مبتدا و خبر تجزیه کرد .

به استمرار پی ببریم، یعنی به دانش (1970: ص34) (معتقد است که اطلاعات بیشتری از اطلاعات جملهء ساختار مبتدای واقعی متن عبارت

پیشین دست یابیم . از این است از مجموعه ای از مبتداهای دیدگاه متون حاوی استمرارهای روابط متقابل و سلسله مراتب آنها،

جملات و نیز استمرارهای واحدهای روابط اجزا و نیز کل متن و موقعیت مبتدا هستند . می توان با کمک

تحلیل مبتدا و خبر ساختارهای را استمرار مبتدا می نامد . این خرد و کلان متون را به دست آورد

(نگاه کنید: البرزی، پرویز، تشکیل می دهد . با این پیشینه، 1386: 288) . دانش (1970: ص47) زنجیرهء مبتداهای از مختصات متن

انواع مختلف استمرار مبتدا را (محسوب می شود) . بیان می دارد :

مفهوم (جنبه های نقش دار جمله)

در تنظیم قواعد سازه آرای متون

است. فردوسی مردی متدین میهن‌نوع اول : استمرار خطی مبتدا : در پرست بود. وی در سال 401 هـ .ق این نوع استمرار خبر جمله اول به شاهنامه را به سلطان محمود مبتدای جمله دوم و خبر جمله دوم غزنوی تقدیم کرد . این شاعربه مبتدای جمله سوم و تبدیل می ایرانی در سال 416 در زادگاه شوند، برای مثال، برای مثال متن خود طوس در گذشت و اینک‌زیر را در نظر می گیریم :

آرامگاه او در طوس زیارت‌گاه مادام ماری کوری در ورشو متولد شد دوستداران شعر و ادب فارسی است. ورشو پایتخت کشور لهستان است . (همان منبع قبلی : 233)

نوع سوم : استمراری که حاوی است .
مبتداهای اشتقاقی است : در این‌ترتیب مبتداها (ورشو — لهستان)
نوع استمرار، از یک مبتدای استمرار خطی متن را که پیوندی از اصلی مبتداهای فرعی به صورت‌مبتداهای مختلف با واحدهای خبری مستقیم به دست می آید، برای‌جدیدتر است ، به وضوح نشان می دهد مثال متن زیر بعضی از داده های .

جغرافیایی در مورد ایران را به‌نوع دوم : استمراری که حاوی دست می دهد : (همان منبع قبلی: مبتدای مستمر است : در این ص82)
استمرار مبتدای جمله اول به

کشور ایران در جنوب منطقه اشکال مختلف در جملات بعدی که حاوی معتدل نیمکره شمالی قرار دارد. خبرهای جدیدی هستند، تکرار می مساحت ایران حدود 1/648/195 کیلوشود، در نتیجه این نوع مبتدا نوع متر مربع است. فلات ایران پیوستگی مبتدایی را در متن کامل همانند دیگر خشکی های زمین، تشکیل می دهد، برای مثال متن زیر در طول دوره های زمین شناسی را در نظر می گیریم :

دستخوش تغییرات فراوان بوده حکیم ابو القاسم فردوسی شاعر است. جمعیت کشور حدود هفتادحماسه سرا و پر آوازه ایران زمین است . وی یکی از ادبای مشهور عالم

حذف می شود. برای مثال متن‌مليون نفر است. (همان منبع قبلی: زیرا را بررسی می کنیم : ص290)

غریب‌ها را به اتفاق تاریکی‌نوع چهارم : استمراری که حاوی بردند. آنجا مزین به مبلمان‌مبتداهای انشعاب یافته است: یک گران‌قیمتی شده بود. فرش‌ها مبتدای دوگانه (صریح یا تلویحی) ، رنگ‌آمیزی روشنی داشتند . که مؤلفه‌های آن مبنای استمرارهای جهش از (مبلمان) ، خبر به (فرش‌فرعی مستقل را تشکیل می دهد، ها) مبتدای بدون اختلال یا ابتدا یک استمرار فرعی ایجا می نارسایی انسجام امکان پذیرکند، سپس استمرار دومی، سومی است، زیرا (فرش‌ها) را می‌والی آخر. مرحله‌گذار به استمرار توان از مفهوم (اتاق) استنتاج‌نوع بعدی از طریق ابزارهای مختلف نمود. این استمرار منطبق برزبانی، مانند عبارت (برعکس) ، بیان شکل از سرگیری تلویحی است . (می شود. برای مثال زیر قابل توجه می باشد. (همان منبع قبلی: ص95) :

مبحث دوم
قدرت مقاومت در هوای نمناک و خشک، در انواع مختلف ویروس‌های بیماری را متفاوت است. ویروس‌های دلالت‌پدیده ای مرکب محسوب می‌شود. اگر به نقش‌های دلالت‌ابزار زبانی دقت کنیم، متوجه خواهیم شد که دلالت یک فرایند بین‌رشته ای است. زبان‌شناسی، منطق، علم شناخت با مفهوم دلالت‌مواجه هستند. در درون زبان

شناسی نیز به نوبه خود جنبه‌نوع پنجم : استمراری که حاوی جهش‌های معناشناسی، کاربردشناسی و مبتدای است: در این استمرار جزئی از نحو مورد بررسی قرار می‌گیرند، زنجیره مبتدای که مکمل بافت است،

عناصر درون زبانی است. به‌که جنبه های معناشناسی و کاربرد عبارت دقیق‌تر با بیان اصطلاح (شناسی بر نحو غلبه دارند و باید مفهوم) به تفاوت های معنادر ارتباط با جنبه های شناخت در شناختی نشانه های مورد نظر از نظر گرفته شوند. (نگاه کنید: سایر نشانه های همان زبان‌باطنی، 1363: ص58)

ارجاع می‌دهیم. (نگاه کنید: زبان شناسی دلالت به بررسی روابط فرگه، 1980: ص124)

عبارات زبانی با کمک عناصر خارج بر اساس فرضیه فرگه (1892:40)، از زبان می‌بردازد. منظور از (الف = الف) و (الف = ب) عبارت زبانی، جمله یا بخشی از جملاتی هستند که با ارزش‌های جمله است، برای مثال گروه اسمی (متفاوتی ارزیابی می‌شوند. براننده کامیون) یا گروه حرف اساس مشاهدات کانت (1923) (الف اضافه ای (در باغ)). (همان منبع = الف) همان گویی محسوب می‌قبلی: ص60)

شود که همواره صادق است. اما (فرگه بین دو جنبه مختلف معنای الف = ب) حاوی بسط شناخت ما عبارات زبانی تفاوت قایل می‌شود: می‌باشد که احتمال دارد ارزش آن (معنا) یا ارجاع به شیء و (مفهوم) صادق یا کاذب باشد. فرگه بیا ارجاع به تصور دهنی. وی با مثال‌های (1) و (2) این نکته را وجود این (معنا) را به مفهوم روشن‌تر می‌کند (همان منبع (دلالت) به کار می‌برد.

قبلی: ص133): در منطق، کارناب اصطلاحات (معنا

فاتح جنگ استرلیتز فاتح جنگ‌به مصداق) و (معنا به مفهوم) را استرلیتز است.

فاتح جنگ استرلیتز بازنده شناسی، لاینز اصطلاحات (دلالت) و مفهوم را به کار می‌گیرد. در جنگ واترلو است.

زبان شناسی منظور از (دلالت) ارجاع جمله (1) بر خلاف (2)، همان عبارت زبانی به عناصر واقعی خارج گویی است. جمله (2) بدین‌از زبان (یعنی مصداق) و یا به

دارای یک کنش گفتاری است. از معناست که عناوین (فاتح سوی دیگر هر کنش گفتاری از استرلیتز) و (بازنده و اترلو) در چند کنش فرعی تشکیل می شود. مورد شخص واحدی، یعنی ناپلئون کنش لفظی شامل ماده آوایی، بناپارت صدق می کند، در حالی که ساخت واژی و ساختار نحوی کنش این دو برچسب به هیچ وجه هم معنا گفتاری مورد است. کنش منظوری نیستند.

که در کانون مطالعات سرل قرار از طرف دیگر عبارات مترادفی دارد، شامل نقش پاره گفتار به مانند زرد آلو وقیسی در (3) و (4) صورت خواهش، فرمان، ادعا، الزاماً دلالت مشابهی ندارند:

سؤال، اجازه و غیره می شود. مریم زرد آلو می خورد.

کنش تأثیر پذیری که سرل نسبت به آن توجه چندانی ندارد شامل سارا قیسی می خورد.

نیت کلی گوینده می شود، برای لاینز (1977: 207) با تفاوت مشابهی مثال اینکه آیا گوینده می همانند تفاوت فرگه مواجه می شود، خواهد مخاطب را از مطلبی باوی اصطلاحات بلاک (1949) را به کار خبر سازد یا او را عصبانی کنمی گیرد، اما اصطلاح سومی، یعنی (نگاه کنید: سرل، 1965: 221). (معنای صریح) را نیز مورد هرگاه قضیه به منظور گفته استفاده قرار می دهد. اصطلاح (متصل باشد، کنش قضیه ای شامل معنای صریح) شامل رابطه بین یک واقعیت اصلی است. یعنی آنچه عنصر واژگانی به طبقه مورد نظر که ممکن است صادق یا کاذب باشد ارجاع کند.

قضیه و منظور به صورت ناگسستنی دلالت و اسناد با یکدیگر مرتبطند. قضیه معمولاً بدون نقش منظوری بر زبان آورده نمی شود، از سوی دیگر کنش گفتاری را مطرح می کند. پاره هر منظوری حاوی یک کنش قضیه گفتارهای زبانی معمولاً برای ارتباط به کار می روند. هر جمله دست کم

سردم است، که فاقد فاعل دستوری‌ای است، مگر اینکه کنش لفظی غیر است تنها صفت (سرد) به عالم‌زبانی را برگزینیم. از طرف دیگر خارج ارجاع می‌دهد. قضیه و منظور واحدهای مستقلی می‌بارد، به عالم خارج ارجاع هستند که جدا از هم تغییر داده نمی‌شود. نمی‌توان سؤال‌پذیرند. (همان منبع قبلی: 225)

کرد که (چه کسی می‌بارد؟) پرویز روزنامه می‌خواند عبارت (می‌بارد) با عبارت (می‌آید پرویز روزنامه می‌خواند؟) (گردد) تفاوت دارد، زیرا می‌توان با عبارت (چه کسی می‌گردد) (پرویز!) روزنامه بخوان!

(؟) سؤال نمود و مثلاً با واژه در این مثالها با قضیه یکسانی (بچه) پاسخ داد. اگر دلالت‌مواجه هستیم، در حالی که منظور رویدادی در این مثالها را در متغیر است. برعکس در مثالهای نظر بگیریم. آنگاه نیز به‌دیگر با منظور یکسانی مواجه عالم خارج ارجاع داده می‌شود، هستیم، اما قضیه متغیر است. دلالت رویدادی در این مورد حاوی‌بیا اینجا!

دلالت شیئی نیست) نگاه کنید: برو!

سرل، 1965: ص291).

دراز بکش!

کنش قضیه‌ای به کنش ارجاعی و کنش اسنادی تقسیم می‌شود (سرل، 1969).

— دلالت زمانی

((دلالت زمانی) ترتیب زمانی این تقسیم‌بندی با مشکلاتی مواجه رویدادها) پدیده است که فلاسفه، است، چون ممکن است دلالت در درون روان‌شناسان و زبان‌شناسان آن‌مؤلفه گزاره‌ء پاره گفتار نیز رخ را به چالش می‌طلبند. دردهد:

بسیاری از زبان‌ها دلالت زمانی‌حسن لیلا را می‌شناسد، علاوه بر از طریق تکواژ دستوری زمان فاعل، مفعول نیز به عالم خارج بیان می‌گردد که به فعل تام ارجاع می‌دهد.

جمله می‌چسبد. در برخی از زبان

جملهء زیر دارای دو مقوله زمان‌های سرخ پوستان آمریکایی فعل دستوری واژگانی است :

دارای مقولهء زمان دستوری نیست.

زبان چینی نیز فاقد زمان دستوری است، اما هر زبانی ابزاری برای بیان دلالت زمانی، برای مثال تکواژ واژگانی زبان، در اختیار دارد).

فردا باران خواهد بارید.

دیروز باران می بارید.

اکنون باران می بارد.

— حال چه وقت می توان مقولهء کمري (1980 : 3 به بعد) معتقد زمان دستوری را در حوزهء دلالت است که فرهنگ زبانی بدون مفهوم زمانی مطرح کرد ؟

زمان وجود ندارد. با وجود این او به صورت کامل زمانی که :

بر این باور است که :

— دلالت زمانی اجباری بیان— مفهوم زمان در فرهنگ های گ‌ردد.

مختلف، متفاوت است، بعضی از

— با تکواژهای وابسته مشخص فرهنگ ها دارای مفهوم زمان ادواری هستند .

گ‌ردد.

در زبان فارسی، ویژگی تکواژ— بعضی از زبان ها دارای مقولهء صرفی تنها شامل ماضی ساده و دستوری زمان نیستند.

استمراری می شو دکه باظاهراً تمام زبان زبان ها ابزار تکواژهای وابسته مشخص می شوند واژگانی برای بیان دلالت زمانی در . برای مثال، تکواژ (— د) اختیار دارند. زبان فارسی و زبان را به ستاک حال (خور) می های اروپای برای دلالت زمان هر دو افزایش و در نتیجه ماضی مقولهء دستوری واژگانی را دارا (خورد) به دست می آوریم (می هستند، مقولهء واژگانی به صورت خورم— می خوردم) سایر زمان قیدهای زمان به کار می روند ، های دستوری زبان فارسی مانند برای مثال ساخت (باران بارید) (ماضی نقلی و ماضی بعید) از اکنون / دیروز / فردا) را در زبان طریق تکواژهای وابستهء زمان فارسی در نظر می گیریم، در سه ماضی بیان نمی شوند، بلکه با

— قید، گروه حرف اضافه ای یا استفاده از فعل کمکی به صورت مرکب جمله در نقش قیدی . به کار می روند. (همان منبع قبلی:

— حالت های مکانی (دری، ازی ص 297)

و غیره). زمان های دستوری دارای نقش دلالت

— افعال مکانی و جهتی . زمانی هستند، با این حال زمان های

دستوری نقش های دیگری نیز به مکانی که در فارسی باستان عهده می گیرند .

کاربرد زیادی داشته اند، از دلالت مکانی

بین رفته اند . در زبان های دنیا، دلالت مکانی، بر

افعال اشاره ای جهتی در زبان خلاف دلالت زمانی، اجباری نیست و

فارسی از قبیل (آمدن)، (رفتن)، با مقوله دستوری بیان نمی

(نشستن)، (گذاشتن) . (آویختن) شود. دلالت مکانی دو رابطه متفاوت

و (ترکیدن) هستند. افعال موضعی ارجاع را در برمی گیرد .

عبارتند از (زیستن)، (بودن) الف (دلالت موضعی، یعنی جایابی شی

و (آویزان / آویخته بودن) و غیره یا رویداد (دلالت مکانی به مفهوم

. خاص) .

اما مهم ترین ابزار، گروه های (دلالت جهتی، یعنی حرکت به سوی

حرف اضافه ای هستند، یعنی یک مکان .

عبارات مرکب (چند واژه ای) نوع سومی از دلالت، ارجاع به نقطه

که در آنها یک حرف اضافه آغازین مکانی نیز قابل تصور است،

پیشین یا پسین ، هسته یا هرچند این نوع در شمار دلالت جهت

حاکمیت کل عبارت را تشکیل می‌تلقی می‌شود، برای مثال در باره

دهد. در زبان فارسی تنها یکگفتار (قطار از مشهد می آید).

حرف اضافه پسین (را) به کار ابزار زبانی مختلفی در خدمت دلالت

می رود. سایر حروف اضافه در مکانی هستند :

جغرافیایی اشاره کند. (همان‌زبان فارسی حروف اضافه پیشین منبع قبلی: 112) هستند.

جملاتی زیر به مفهوم جملات‌عناصر اشاره ای محور دلالت مکانی متناسب با آنها تلقی می‌شوند، به‌شمار می‌روند. منظور از عناصر و بعضی از این جملات در برخی اشاره ای آن دسته از ابزارهای از بافت‌ها به مفهوم دیگری‌زبانی هستند که به مؤلفه‌های استنباط می‌شوند وهم معنا موقعیت‌گفتار اشاره دارند.

هستند، در هر حال این جملات بر الگوی (من - اینجا - حالا) را به دلالت مکان اشاره دارند. منزلهء نظام هماهنگ برای شخص،

— من پول دارم.

— من اینجا پول دارم.

— من در حساب پس انداز پول

دهند. (نگاه کنید: ارژنگ: 108) دارم.

من اینجا هستم.

— پروانه می‌آید.

اصفهان اینجاست و نه اینجا.

— پروانه به اینجا می‌آید.

ظاهراً عبارت (اینجا بودن) در هر پاره گفتار بر زمان حال دلالت می‌شبه تهران می‌آید.

کند. از این جهت جملهء (1) تنها

بعضی از افعالی که تنها بخش زمانی بیان می‌شود که مخاطب نتوان

کوچکی از واژگان فعلی زبان را دبه جایگاه گوینده پی‌ببرد، برای

تشکیل می‌دهند، با یک گروه مثال در تاریکی. جملهء (2) تناقض

قید مکانی به کار می‌روند. دارد، اما این جمله همراه با ایما

همان منبع قبلی: 115)

واشارهء مناسب معنی می‌دهد، برای

— پروانه در پاریس زندگی می‌مثال هرگاه شخص با انگشت به دو

کند/ می‌ماند / به سر می‌برد. جایگاه مختلف روی یک نقشهء

الف) مرجع دار پيشين: معرفه به نظر مي رسد كه سورها (مانند سازي از طريق شناسايي هويت به بعضي، همه، هر) در شمار تعيين كمك عناصر زباني كه قبلاً دركننده ها نيستند. اين نكته را متن ذكر شده اند. مانند اينچنين توجيه مي كنيم كه سورها با مرد / او نسبت به مردی در مثال تعيين كننده ها مرتبط وبا هم و در زير:

مردی وارد شد. اين مرد / او كنيد: باطني: ص34، براي مثال: خسته به نظر مي رسيد. — همه اين پرنندگان راد وست علاوه بر ضمير، آن دسته از دارم.

گروه هاي اسمي معرفه كه داراي حال ببينيم كه تعيين كنندگي چيست تعيين كننده هاي اشاره اي و؟

ملكي هستند، براي کاربرد مرجع معنای اين اصطلاح تابع تفاوت دار پيشين مناسبند.

ب) تداعي از مرجع دار پيشين: تنهائي هيچ گونه مصداقي ندارند، اين مورد به يك گروه اسمي كه ويژگي ارجاع آنها منوط به اسم قبلاً ذكر شده است، متصل مي شود، است كه مصاديق را تبين مي كند.

اما با آن رابطه اي، مثلاً تعيين كنندگي با معرفه سازي و هم رابطه جزء و كل دارد. در اين معناست. اين بدین معناست كه مي مثال مسجد بخشي از دهكده محسوب توان موضع يك مصداق را در مجموعه مي شود.

اي از ارجاعات توضيح داد كه در كوهستان، دهكدهء زيبايي فرستنده وگيرندهء پاره گفتار، به قرار داشت. مسجد بر فراز تپه طور مشترك در اختيار اي واقع بود. دارند. (الياسي، 1373: 18)

تعيين كننده هاي اشاره اي در هاوكينز (1978) کاربرد چهار نوع اين نوع به كار نمي روند. اصلي معرفه سازي را از هم متمايز مي سازد:

((ارتباط گفتمان باید برای چ) عناصر اشاره ای : در این نوع صراحت پاره گفتار مشخص باشد، با کاربرد موقعیت بلا فصل مواجهیم، در غیر این صورت احتمال دارد به طوری که رؤیت مصداق هیچ گونه که باعث سوء تفاهم شود. برای شرط لازمی برای دلالت عناصر اشاره مثال هنگامی که یک نفرای نیست :

افغانی در تهران این جمله را این / آن کتاب را باید بخوانی !
خطاب به هموطن خود در آغاز
مکالمه یا گفتمان بیان کند، در
این صورت احتمال دارد که هر دو
رئیس جمهور افغانستان و ایران
مورد نظر باشد). (البرزی،
استفاده قرار بگیرند .

پرویز: 241)

د) انتزاع از موقعیت: در این
البته شاید دلالت در سایر
نوع، مصداق را به تنهایی از طریق
کاربردهای گروه های اسمی
معرفه، همان گونه که در جملات
شناسایی می کنیم. این نوع کاربرد
زیر مشاهده می شود، بی اثر
به صورت الگوی کامل، برای مثال
باشد تعیین کننده ها علایم
در زبان های آلمانی و فرانسه از
معرفه هستند. اما ممکن است یک
طریق حروف تعریف معین به کار می
گروه اسمی بدون چنین علایمی
رود. اما در زبان فارسی معیار،
معرفه باشد. (همان منبع قبلی:
اسم، بدون حرف تعریف به کار می
رود .

ص244)

— حسن فردا می آید.

رئیس جمهور نطقی ایراد نمود.

— پروانه دفترچه یادداشت
مداد را در دستش گرفت.
درک این جمله تنها مشروط بر این
است که مخاطب بداند در کشور مورد

— او گران ترین اتومبیل را در نظر، رئیس جمهور حکومت می کند یا
در جامعه گوینده و شنونده تنها
رئیس جمهور حاکم است .

گیرند، در این صورت می توانیم هم دلالتی کامل (برای مثال بین تمام این روابط دلالتی را هم حسن و او) دلالتی اطلاق کنیم .

مرزبندی بین هم دلالتی وسایرحسن و سرش (

روابط دلالتی چندان ساده نیست. دلالت هم پوشی (برای مثال بین برای مثال احتمال دارد که نوجوانان و کودکان مسن تر در رابطه تولید کننده و محصولش، ارجاع به جمع کثیری از کودکان)

رابطه بین نویسنده و اثرش به هاوکینز (1978: 123) هم دلالتی بخشی منزله رابطه جزء و کل و در نتیجه هم دلالتی (بخشی) یا می کند و آن را در مقابل کاربرد رابطه بین دو مفهوم مختلف مرجع دار پیشین قرار می دهد (قلمداد کردند .

1978: 107)، به طوری که یک گروه هالیدی و حسن (1976: 285) دلالت اسمی که قبلاً ذکر شده، به وسیله تکمیلی را در شمار هم دلالتی گروه اسمی معینی که دارای همان تلقی نمی کنند .

اسم (حسن - حسن) است یا دارای نتیجه گیری یک اسم مترادف (مادر - مامان)

بسیاری از علوم با موضوع متن است از سر گرفته می شود . همچنین جمله مواجه هستند. متن شناسی از سر گیری یک گروه فعلی مانند (یکی از شاخه های بین رشته ای به شیراز سفر کرد) از طریق فرایند است که در چارچوب علومی چون فن اسم سازی مانند (مسافرت به شیراز شعر و بلاغت، تعلیم و تربیت آمده) به عنوان هم دلالتی (حتی هم دلالتی کامل) تلقی می شود .

تقابل زبان شناسی متن و زبان هرگاه این پیش شرط رام بنا قرار شناسی جمله که از دهه های 1970 دهیم که مفاهیم، مرکب و دارای تا 1980 مطرح شد، از دیدگاه ساختار هستند، یعنی روابط بین کل تاریخی توجیه پذیر نیست. به اجزای آن یا بین کل و مفاهیم مجاور آن و غیره را نیز در بر می

منابع و مأخذ
احمدی، بابک، ساختار و تأویل مورد بحث بوده اند. اما بعدها
متن، چاپ هفتم، (تهران: نشر زبان شناسی جمله را به صورت
آگاهانه در تقابل باز بان شناسی
مرکز، 1386).

ارژنگ، غلامرضا، دستور زبان
فارسی امروز، چاپ چهارم،
(تهران: انتشارات نشر قطره،
در یک رویداد ارتباطی است، بدون
1385).

البرزی، پرویز، مبانی زبان غیر زبانی. متن زمانی معنا دارد
شناسی متن، چاپ دوم، (تهران: که آن را شنونده یا خواننده با
امیر کبیر، 1386).

الیاسی، محمود، زبان شناسی خارج تأویل و تعبیر نماید. از این
کاربرد، یادگیری و آموزش جهت زبان شناسی متن تنها به
زبانهای خارجی، ترجمه تئووان بررسی عناصر زبانی در متن
الس و همکاران، (انتشارات آستان نمی پردازد، بلکه بیشتر تأویل و
قدس رضوی، 1372).

باطنی، محمد رضا، زبان و زبان دهد.
شناسی، (تهران: انتشارات امیرمهم تر از ساختارهای دستوری،
کبیر، 1363).

غلامعلی زاده، خسرو، ساخت زبان
فارسی، (تهران: انتشارات احیاء
کتاب، 1374).

نجمی، ابو الحسن، مبانی زبان معانی جمله یا قضیه نقش عمده ای
شناسی و کاربرد آن در زبان به عهده دارند.



فارسى، (تهران: نيلوفر، 1384)، چاپ اول، 1358.

منابع انگلیسی

Danesfrantisek :folia linguistic iv, 72- 78 197.

Kallmeryer.Warner,1980.

Frege G folge.100.25-50.1980.

LinkMarkus,2001.

Gulic.Elisabeth&raible,1977.

Mathesiuse,155. 202-210.1929.

Halliday.Michael&Ruqaia Hasan,1976.

Searl , 221-239.1965.

Hawkins.Groon Helm,1978.

Vandijk,1980.